

آینده استانداردهای حسابداری بین‌المللی در هاله‌ای از ابهام

حسابداری در زمره علوم انسانی قرار دارد، مقایسه علوم انسانی با علوم تجربی مانند مقایسه جامدات است با مایعات. چرا که جامدات صلب هستند و از شکل ثابتی برخوردارند اما مایعات متناسب با ظرف خود شکل می‌گیرند. پس علوم انسانی و به تبع آن حسابداری را با ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه باید نگریست. یعنی نمی‌توان حسابداری را به طور مجرد تعریف نمود و همواره برای تعریف آن باید به الگوهای اقتصادی و حتی ایدئولوژیکی آن جامعه متوسل شد. چرا که علوم انسانی زائیده محیط اجتماعی است و روابط بین افراد در محیط اجتماعی تحت قوانین، مقررات، بایدها و نبایدها تنظیم می‌شود. به عبارت بهتر می‌توان ادعا نمود که حسابداری تحت ضوابط و دیدگاه‌های برخاسته از نظام‌های حقوقی، اقتصادی، مالی و فرهنگی رشد می‌کند و توسعه می‌یابد. از آنجا که ساختار کشورها از منظر فوق یکسان نمی‌باشد پس نظام حسابداری کشورها یکسان نیست و متناسب با الگوهای آن جامعه شکل یافته است. ولی به دلیل وجود تشابهات و یا نزدیکی برخی دیدگاه‌ها مثلاً از لحاظ فرهنگی، رژیم‌های سیاسی، نظام‌های اقتصادی و حقوقی، نظام حسابداری کشورها به هم نزدیک و یا از هم فاصله می‌گیرد که در نتیجه می‌توان روش‌های حسابداری کشورها را از لحاظ تشابهات و تفاوت‌ها طبقه‌بندی نمود.

از طرفی وابستگی اقتصادی کشورها به لحاظ مبادلات برون مرزی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی باعث می‌شود تا به رغم تفاوت در مقررات گمرکی و بازرگانی کشورها و الگوهای تامین مالی مختلف، با مقررات حسابداری کشورها آشنا شویم و در جهت تسهیل در امر مبادلات خارجی و جذب سرمایه‌های خارجی سعی کنیم موانع موجود را تا حد ممکن کنار گذاشته و دیدگاه‌های مختلف را به هم نزدیک‌تر کنیم. نزدیکی دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی موجب می‌شود تا نظام حسابداری و گزارشگری مالی هماهنگ‌تر شود. در این راستا از چند دهه گذشته سازمان‌ها و نهادهای گوناگونی در سطوح بین‌المللی، قاره‌ای و منطقه‌ای فعالیت نموده‌اند، که از جمله آنها می‌توان سازمان ملل، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، اتحادیه اروپا، گروه چهار به علاوه یک و ... را نام برد.

از ابتدای راه هماهنگ‌سازی، همواره دو نظریه متفاوت مطرح بوده است، یکی موافقین هماهنگ‌سازی که معتقدند باید با رفع تمامی موانع و تفاوت‌های موجود در جهت هماهنگ‌سازی دیدگاه‌ها، قدم برداریم تا به دهکده جهانی دست یابیم، آنگاه تمامی کشورهای جهان به دلیل نزدیکی مواضع از استانداردهای حسابداری واحدی پیروی خواهند کرد. دوم گروهی که به Globalization یا جهانی شدن با تردید می‌نگرند و آن را آرزویی دست نیافتنی می‌دانند که هیچ‌گاه جامه عمل نخواهد پوشید. این گروه دلایل خود را در تفاوت‌های عمیق و ریشه‌ای فرهنگ بین ملل خلاصه می‌کنند. به طوری که رئیس اسبق کمیته تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود "فکر نمی‌کنم که روزی فرا رسد که کلیه کشورها در سراسر جهان از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند، ولی این موضوع موجب نمی‌شود تا ما از تلاشمان در این راه دست برداریم."

اتحادیه اروپا از سال ۱۹۷۳ به عنوان یکی از موفق‌ترین نهادهایی است که در سطح قاره اروپا سعی نموده با لغو هرگونه مقررات بازرگانی و گمرکی در بین کشورهای عضو، انتشار پول واحد "یورو"، تشکیل مجلس اروپا و حتی دولت و کابینه اروپای واحد، در زمینه هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری، مقررات گزارشگری مالی و الزامات حسابرسی صورت‌های مالی، موفقیت‌های چشم‌گیری داشته باشد. به طوری که به رغم تفاوت زیاد در نگرش برخی از کشورهای عضو به حسابداری، مانند فرانسه و انگلستان، مقرر گردید کلیه شرکت‌های چند ملیتی اروپایی برای مقاصد برون مرزی از ابتدای سال ۲۰۰۵ میلادی استانداردهای حسابداری بین‌المللی را رعایت نمایند. اما جدیدترین اقدام اتحادیه اروپا مسئله رای کشورهای عضو به قانون اساسی اروپا بود. هر چند که کشورهای نظیر آلمان، لوکزامبورگ، ایتالیا و چند کشور دیگر به این قانون رای مثبت دادند اما نکته قابل توجه و تأمل رای منفی مردم فرانسه و پس از آن مردم هلند به این قانون بود. طبق نظرسنجی‌هایی که قبل از همه‌پرسی انجام شده بود، رای منفی مردم فرانسه قابل پیش‌بینی بود زیرا مخالفین این قانون، حفظ اصالت‌های فرهنگی مردم فرانسه را در سرلوحه شعارهای خود قرار داده و رای مثبت به این قانون را به منزله حذف هویت ملی می‌دانستند و با فاصله یک هفته مردم هلند هم به این نتیجه تأصی کرده و رای منفی به این قانون دادند. رئیس اتحادیه اروپا مقصر اصلی در این رابطه را دولتمردان فرانسه دانست که به اندازه کافی آماده‌سازی اذهان عمومی صورت نگرفته است و تحت این فشارها بود که نخست‌وزیر فرانسه تغییر یافت. به هر حال نتیجه در سطح اتحادیه اروپا آنقدر تکان‌دهنده و دور از انتظار بود که کشور انگلستان و بقیه کشورهای اروپایی، مسئله همه‌پرسی را تا آینده نامعلومی به تعویق انداختند. از طرف دیگر طبق تحلیل جدید "آکونومیست" از آینده یورو، سوالی که ذهن همگان را به خود مشغول ساخته این است که آیا "یورو" ماندگار خواهد شد؟ زیرا پس از رای منفی فرانسوی‌ها و هلندی‌ها به قانون اساسی اروپا، خبرهای اقتصادی بدی در مورد یورو به خصوص اقتصادهای بزرگ آن به گوش می‌رسد. شاید رئیس بانک مرکزی اروپا با این برخورد مواجه شود که اتحادیه اقتصادی اروپا معنایی ندارد و باید از هم گسسته شود. هر چند که کشورهای مرکزی و شرق اروپا هنوز به الحاق این اتحادیه علاقه‌مندند ولی نخبگان اروپا دیگر نمی‌توانند اوضاع کنونی را تحمل کنند. طبق نظرسنجی جدیدی که در آلمان انجام شد ۵۶ درصد شرکت‌کنندگان اعلام کردند که خواستار بازگشت واحد پول خود یعنی مارک هستند. هم چنین وزیر رفاه ایتالیا در سوم ماه ژوئن اعلام کرد که کشورش با واحد پول سابق خود یعنی لیر از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار خواهد بود.

همه و همه این مسائل به یک تعبیر یعنی عدم امکان دسترسی به دهکده جهانی و شکست وفاق بین‌المللی. پس آیا این امر مَهر تأییدی براین نظریه که "هر ملتی نظام حسابداری خاص خود را دارد و در جهت رفع نیازهای اجتماعی آن جامعه مفید می‌باشد" نیست؟ آیا با وجود تفاوت‌های زیاد در نظام‌های حقوقی، مالی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورها، تلاش در جهت هماهنگ‌سازی بین نظام حسابداری کشورها امکان‌پذیر است؟ و آیا روزی می‌رسد که کلیه کشورها از استانداردهای حسابداری واحدی پیروی نمایند؟!